

مدیریت اسلامی با تاکید بر مدیریت آخرت گرا از دیدگاه امام علی (ع)

بهروز صبحی لکی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

Sabuhilaki_behrooz@yahoo.com

چکیده

یکی از اصول مدیریت اسلامی اصل آخرت گرایی است. آخرت گرایی به این معنی که مدیر اسلامی نباید منافع اقتصادی و مادی را بر ارزش های متعالی اسلامی و انسانی تقدم دهد. در تعالیم دین و قرآنی نیز همواره بر حفظ حرمت مسلمانان و تقدم آن در برابر منافع مادی اقتصادی تاکید شده است. شاید از همین روست که می توان حفظ حرمت مسلمانان را به اخلاق گرایی نیز تعبیر کرد. اخلاق گرایی در حقیقت تاکید و عمل به ارزش های دینی، انسانی و اسلامی، رعایت و ترویج آن ها در جامعه است.

آخرت گرایی اصلی از اصول مدیریت اسلامی و برگرفته از اصل ایمان به معاد و حیات پس از مرگ است. این اصل به این حقیقت نظر دارد که هدف نهایی، حیات جاودان آخرت است و زندگی دنیا تنها مقدمه برای آن حیات است (فإن الغایهُ القیامهُ، امیرالمؤمنین(ع)). این اصل نه تنها در حوزه اندیشه و نظر منشا اثر است بلکه در حوزه عملکردها نیز باعث تاثیرهای قابل توجه و اساسی و تغییر و اصلاح جهت گیری هاست. آخرت گرایی در حقیقت چیزی نیست جز تلبس به ارزش های الهی دین حق که ما را در مسیر مستقیم به سوی سعادت ابدی رهنمون می شود. در مدیریت اسلامی در حوزه های مختلف، این اصل دارای تاثیرهای اساسی می باشد و حیطة وظایف مدیریت بعنوان مهمترین حوزه بحث مشمول این تاثیرهای می باشد. ما در این مقاله برآنیم تا پس از تبیین اصل آخرت گرایی و جایگاه آن در مدیریت اسلامی، به تبیین تأثیر آن از منظر امام علی (ع) بپردازیم، لازم به ذکر است آخرت گرایی مبتنی بر ایمان به معاد است.

کلمه های کلیدی : مدیریت اسلامی، آخرت گرایی، مدیریت آخرت گرا ، امام علی(ع)

مقدمه

مدیریت در زندگی بشری جایگاهی ویژه دارد. اصولاً بشر به مدد مدیریت به دنبال استفاده‌ی مطلوب از امکانات و منابع عالم هستی بوده و هست، نوع نگاه و نگرش انسان به عالم هستی، روش و نوع مدیریت او را مشخص می‌کند؛ نوع نگاه مدیریت غربی نهایتاً منجر به افزایش بهره‌وری است؛ اما از آنجا که در این نوع نگاه مدیریتی انسان و شخصیت انسان به عنوان محور اصلی مورد توجه قرار نگرفته، لذا از این بابت خسارتهای جبران ناپذیری بر پیکره‌ی مدیریت جهان امروز وارد شده است. مکتب انسان ساز اسلام به دنبال تربیت خلیفه‌ی الهی، یعنی انسان تعالی که مظهر صفات مال حق الهی است؛ برای رسیدن به این هدف عالی، مجموعه‌ای از دستورات الهی در قالب اعتقادات، احکام و اخلاق بیان شده است. با توجه به جامعیت و فراگیر بودن اسلام به عنوان آیین زندگی، نوع نگاه اسلام به مدیریت مشخص خواهد شد. در این مجموعه با چهار چوبی مشخص و با مدد از دیدگاه علمای بزرگ اسلام، بخشی از نوع نگاه اسلام به مدیریت در بعد روانی و روش مدیریت در سیره‌ی ائمه‌ی اطهار(ع) بیان شده است.

در ضرورت بررسی این مطلب، همین بس، که نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک الگو در دنیا مطرح است. علی‌رغم همه‌ی سختیها شاهد تلاش چندین ساله بوده‌ایم که بی شک زیباییها و نقاط قوت آن به خاطر توجه به اصول اسلامی، و نقاط ضعف آن مربوط به بی توجهی به فرهنگ اسلامی و عملکرد سلیقه‌ای بوده است، دنیای امروز الگوی ارزشمند رهبری و مدیریت را رهبری پر فروغ و عظیم امام عظیم الشان راحل، حضرت امام خمینی (ره)، و مقام معظم رهبری می‌بیند. دنیا الگوی مدیریت هشت سال دفاع مقدس را به عنوان یک تجربه‌ی عملی در پیش رو دارد که سرشار از نکات ظریف و لطیف مدیریتی است که همه بر پایه‌ی عشق الهی و خود مدیریتی بنا شده است.

تبیین مفهوم آخرت گرایی

اعتقاد و ایمان به آخرت و زندگی جاوید و درک مفهوم آخرت گرایی بر این اساس استوار است که در انسان حقیقتی وجود دارد که با متلاشی شدن بدن از بین نمی‌رود. اگر کسی به وجود این حقیقت اعتقاد نداشته باشد از معاد نیز نمی‌تواند تصور صحیحی داشته باشد. بنابراین نیاز به تفصیل در این باره نیست که از دیدگاه اسلام انسان دارای دو بعد مادی و غیر مادی است. بعد اصلی همان بعد غیر مادی یا روح است. پذیرش مسئله وجود روح غیر مادی در انسان است که اعتقاد به جاودانگی و پایان ناپذیر بودن حیات انسان را در پی دارد.

پس با عنایت به چنین دیدگاهی است که حقیقت ابدی و فنا ناپذیر وجود انسان مورد توجه قرار گرفته، نیازهای حقیقی انسان مطرح شده و راه پاسخ‌گویی به این نیازها ارائه می‌گردد. آری با عنایت به این نگرش است که می‌توان به تحلیل صحیحی درباره‌ی زندگی دنیا، زندگی آخرت و رابطه‌ی این دو با هم دست یافت.

دنیا و مواهب آن پاسخی است به نیازهای مادی و دنیوی، آخرت و حقایق آن پاسخی است به نیازهای اصیل و غیرمادی انسان. توجه به بعد مادی وجود و ارضای نیازهای مادی تنها وسیله‌ی ای است، برای حرکت در مسیر پاسخ به نیازهای حقیقی غیر مادی. دنیا و مواهب آن تنها مرکب و وسیله‌ی ای است برای رسیدن به مقصد و هدف نهایی که همانا سعادت در سرای جاوید آخرت است.

زندگانی دنیا از دیدگاه اسلام

واژه‌ی دنیا مؤنث ادنی است، و از ماده‌ی دُنُو (بر وزن غُلُو) در اصل به معنی نزدیکی در مکان یا زمان یا منزلت و مقام است. سپس دنیا و ادنی گاه به موجودات کوچک که در دسترس قرار دارند در مقابل موجودات بزرگ اطلاق شده و گاه در موضوع های پست در مقابل خوب و والا و گاه به نزدیک در مقابل دور اطلاق می‌گردیده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ص ۱۳۴).

خداوند سبحان در قرآن کریم در مواردی از زندگانی دنیا به تعبیر لهُو و لعب یاد فرموده است، بعنوان مثال در آیه ۶۴ سوره عنکبوت می فرماید:

« و این زندگی دنیا جز لهُو و لعب چیزی نیست (جز سرگرمی و بازی مطلب دیگری در آن یافت نمی شود) و...».

کلمه "لهُو" به معنای هر چیز و هر کار بیهوده ای است که انسان را از کار مهم و مفیدش باز بدارد و به خود مشغول سازد به تعبیر دیگر لهُو یعنی هدف های سرگرم کننده.

کلمه "لعب" به معنای کار و یا کارهای منظمی است با نظم خیالی و برای غرض خیالی مانند بازی های کودکان (مکارم شیرازی، ۱۳۶۵، ص ۳۵۷).

زندگی دنیا همان طور که به اعتباری لهُو است، همین طور لعب نیز هست، برای اینکه فانی و زودگذر است، همچنان که بازی ها اینگونه اند.

اما قرآن کریم با تعبیر دیگری نیز از دنیا یاد می کند که همانند تعبیر فوق اشاره به ماهیت حقیقی زندگی دنیا دارد، مثلاً آنرا متاع نامیده است:

« زندگی دنیا در برابر زندگی آخرت جز چیز کوچکی نیست » (سوره رعد: آیه ۲۶)

متاع چیزی است که انسان از آن بهره مند می شود، چیزی که خود آن هدف نباشد بلکه وسیله ای برای رسیدن به هدف باشد (طباطبایی، ۱۳۷۷، ص ۵۰۲).

در بین احادیث و اخبار وارده از پیامبر (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام نیز کم نیست روایاتی که زندگانی دنیا را با این قبیل تعابیر توصیف می نماید:

رسول خدا در ضمن وصایایی که به ابوذر غفاری می نمایند، می فرمایند:

« ای ابوذر! دنیا ملعون است و ملعون است هر چه که در دنیاست، مگر آنکه با آن رضای خدا طلب شود » (الطبرسی، ۱۳۵۰، ص ۴۶۲).

امیرمؤمنان علی(ع) می فرماید:

« شما را از دنیا می ترسانم. زیرا منزل گاهی است برای کوچ کردن، نه منزلی برای همیشه ماندن. دنیا خود را با غرور و فریبندگی زینت داده و با زینت و زیبایی می فریبد... » (نهج البلاغه: خطبه ۱۱۳).

بدیهی است که اسلام هرگز نمی خواهد با این تعابیر و توصیف ها ارزش مواهب الهی را در این جهان نفی کند، بلکه می خواهد با یک مقایسه صریح و روشن ارزش این زندگی را در برابر زندگی آخرت مجسم سازد و به انسان هشدار دهد که اسیر این مواهب نگشته بلکه امیر بر آنها گردد و هرگز سرمایه بزرگ خود و ارزش های اصیل خویش را با مواهب مادی معاوضه نکند.

سرای آخرت و زندگی جاوید از دیدگاه اسلام

ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی یکی از اصول جهان بینی اسلامی و از ارکان ایمانی و اعتقادی دین مبین اسلام می باشد. پیامبران الهی - بدون استثنا - پس از اصل توحید، مهمترین اصلی که مردم را به آن متذکر کرده اند و ایمان به آن را از مردم خواسته اند، همین اصل است که در اصطلاح متکلمان اسلامی به نام "اصل معاد" معروف شده است. حال اگر معاد از چنین جایگاه والایی در ادیان آسمانی برخوردار است، در قرآن کریم که آخرین کتاب آسمانی و معجزه جاوید خاتم الانبیاء(ص) است، می بایست بحث معاد به تفصیل و همراه با دلایل قانع کننده ذکر شده باشد. مراجعه به قرآن کریم این مطلب را تأیید می نماید. قرآن، اهمیت فوق العاده ای برای بحث معاد قائل است که این موضوع از کثرت آیات وارده درباره معاد روشن می گردد.

برخی تعداد این آیات را بیش از دو هزار آیه دانسته اند که به احتمال، این تعداد، آیاتی که در آنها بطور غیر صریح به معاد اشاره شده و آیاتی که در آنها تصریح به معاد شده، همه را در برمی گیرد (سبحانی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۶).

قرآن مجید ایمان به آخرت یا روز آخر را برای سعادت بشر یک امر حتمی و لازم می شمارد. منبع و منشأ ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی نیز، قبل از هر چیز دیگر وحی الهی است که بوسیله پیامبران به بشر ابلاغ شده است. یعنی پس از آنکه انسان، خدا را شناخت و به صدق گفتار پیامبران ایمان آورد و دانست که آنچه به عنوان وحی ابلاغ می کنند واقعاً از جانب پروردگار عالم و تخلف ناپذیر است، به روز قیامت و حیات جاوید اخروی که همه پیامبران ایمان به آن را مهمترین اصل پس از توحید معرفی کرده اند ایمان پیدا می کند. لذا، درجه ایمان هر فرد به حیات اخروی از طرفی بستگی دارد به درجه ایمان او به "اصل نبوت" و صدق گفتار پیامبران و از طرف دیگر بستگی دارد به اینکه سطح معارف انسان تا چه حد بالا باشد و تصورش از امر معاد و عالم آخرت چه اندازه صحیح، معقول و عالمانه باشد و تصورات جاهلانه در آن راه نیافته باشد (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۷).

مفهوم آخرت گرایی و شاخص های آن

آخرت گرایی مفهوم و کیفیتی است که در پی عقیده و ایمان به آخرت و زندگی جاوید مطرح می شود و به طوری که گفته شد، آخرت گرایی به معنی تلبس به ارزش های قرآنی و الهی است که ما را در مسیر الهی به پیش برد و از سقوط به جهنم هوی و هوس ها نجات بخشد و اشاره شد که این معنی هرگز به مفهوم نفی دنیا نیست بلکه امکانات دنیوی را در راستای اهداف اخروی قرار دادن است و بالاترین هدف اخروی نیل به سعادت حقیقی است، در بهشتی که تنها بوسیله دین الهی بدست می آید.

بنابراین آخرت گرایی در نهایت، توجه به سعادت حقیقی در بهشت پروردگار است، لذا آنچه در قرآن و روایات وارده از ائمه معصومین علیهم السلام در باب صفاتی که انسان را وارد بهشت می سازد و او را در آن جایگاه رفیع و والا جای می دهد، آمده است می تواند بخوبی شاخص های آخرت گرایی را نمایان سازد و دیدگاه اسلام را در باب نجات و سعادت ابدی روشن سازد. با عنایت به این مطلب می توان شاخص های آخرت گرایی را به شرح ذیل برشمرد:

- ایمان و عمل صالح،

- تقوا،

- احسان و نیکوکاری،

- ترک هوا پرستی،

- صبر و تحمل در برابر شدائد،

- اخلاص،

- صدق و راستی،

- انفاق،

- تولی و تبری

- اهتمام به نماز (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ص ۱۹۷).

این شاخص ها و نشانه ها تنها بخشی از شاخص ها و نشانه های مفصلی است که می توان برای آخرت گرایی نام برد. اما بدلیل جامعیت و گستردگی و تأکید و تکرار روی این موارد در قرآن مجید، این شاخص ها را می توان شاخص های عمده آخرت گرایی و معیار خوبی جهت سنجش مفهوم آخرت گرایی به حساب آورد. نکته دیگری که در اینجا قابل ذکر است مرتبط بودن و پیوستگی این نشانه ها با یکدیگر است به عبارت دیگر جهت سنجش مفهوم آخرت گرایی نباید به تک تک یا برخی از این

شاخص ها توجه نمود بلکه باید دید آیا مجموعه این شاخص ها وجود دارد یا خیر، بعنوان مثال نماز به تنهایی نمی تواند معیار سنجش باشد بلکه صدق و راستی و ادای امانت نیز در کنار آن و به همراه آن مطرح است. توجه به مجموع شاخص و نشانه هاست که منافقان و دنیاطلبان را از آخرت گرایی و مؤمنان راستین مشخص می سازد.

ضرورت آخرت گرایی مدیران از منظر امام علی (ع)

در ساختار حکومت علوی دولتمردان باید دارای ویژگیهایی باشند که یکی از آنها آخرت گرایی است. البته معاد باوری به دولتمردان اختصاص ندارد و همه مردم باید قیامت گرا باشند؛ زیرا قیامت باوری در جلوگیری از ناهنجاریهای اجتماعی نقشی بنیادین دارد و سبب خود سازی است. از اینرو، قرآن و معصومان(ع) مردم را به آخرت گرایی دعوت کرده اند. امام علی(ع) می فرماید :

اینک توصیه ام به شما این است که مرگ رافرا یاد آورید و از میزان غفلت تان بکاهید. آخر چگونه از چیزی غفلت می کنید که هرگز از شما غافل نمی شود و کسی را امید دارید که هیچ مهلت تان نمی دهد؟ اندرزگویان تان همین مردگان بس که بی آنکه سوار شوند، بردوش دیگران به سوی گورها برده می شوند و بی آنکه آهنگ فرود آمدن داشته باشند، در گورها فرود می آیند. چنانکه گویی هرگز از آبادکنندگان دنیا نبوده اند و آخرت پیوسته سرایشان بوده است .

معاد باوری در جلوگیری از ریاست طلبی و انحرافات مالی و اداری نقشی بنیادین دارد. از اینرو آخرت گرایی برای دولتمردان از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا دولتمردان با اموال عمومی و جان مردم ارتباط دارند؛ و هر یک به گونه ای بر مسند قدرت قرار دارند و قدرت معمولاً انسانها را در معرض لغزش ها قرار می دهد . برخی از دولتمردان از حکومت سوء استفاده کرده، به رقابت و جناح بندی های سیاسی می پردازند. واقعیت این است که خیلی از رقابتها و جناح بندی های سیاسی برای کسب قدرت صورت می گیرد و یکی از آفات نظامها به شمار می آید. امروزه در جهان جنایات گسترده ای از سوی صاحبان قدرت به وقوع می پیوندد بی تردید، اگر آنان لحظه ای به یاد یامت بودند، دست خود را به خون هزاران انسان بی گناه آغشته نمی ساختند .

امام علی(ع)، در خصوص کیفر رهبران ستمگر، از رسول خدا(ص) چنین نقل می کند: «انی سمعت رسول الله یقول: یوتی یوم القیامه بالامام الجائر و لیس معه نصیر و لا عاذر، فیلقی فی نار جهنم فیدور فیها کما تدور الریحی، ثم یرتبط فی قعرها .» از پیامبر شنیدم که فرمود :

« در روز قیامت، پیشوای ستم پیشه را در حالی که هیچ یاور و مدافعی ندارد، می آورند؛ پس به دوزخش می افکنند و چنان سنگ آسیامی گردد تا در قعر دوزخ به زنجیر کشیده شود. »

امام علی(ع)، به عنوان رهبری آخرت گرا، برای ایجاد جامعه ای مکتبی و ضابطه مند، همه مدیران خویش را به آخرت گرایی فرا می خواند تا از ناهنجاریهای اجتماعی، مالی و ریاست طلبی در حکومت اسلامی جلوگیری شود. آن بزرگوار، پیش از آنکه دولتمردان خود را به قیامت گرایی سفارش کند، خود آخرت گرا بود و در گفتار و کردار آخرت گرایی اش را نمایان می ساخت تا برای همه رهبران دیگر الگوباشد. او فرمود :

« به خدا سوگند که اگر شبها را بر بستر خارهای پرگزند سعدان به صبح آرم و دست و پایم به غل و زنجیر کشیده شود ، بسی دلپذیرتر از آن است که در قیامت خدا و رسولش را ملاقات کنم درحالی که به بنده ای از بندگانش ستم روا داشته باشم و یا از حطام دنیا چیزی به ناحق گرفته باشم. آخر برای این تن خاکی که بند بند آن به پوسیدگی می شتابد و دوران بس دراز در زیرتوده های خاک می ماند چگونه به ستم بر احدی دست یازم؟»

امام علی(ع) اصحاب و مدیران خود را مخاطب قرار داده فرمود :

« اسباب سفر آماده کنید خدایتان بیا مرزد که ندای کوچ همواره طنین افکن است. دوران ماندگاری در دنیا را نا چیز بشمارید و با شایسته ترین توشه ای که در اختیار دارید به آخرت روی آرید... و بدانید که مرگ چنان چشم در چشم شما دوخته که گویا هم اکنون چنگاله‌هایش را در پوستتان فرو برده است... پس وابستگی‌های دنیا را ببرید و به توشه تقوا تکیه کنید» یکی از آفات مهمی که همه مردم، مخصوصاً مدیران حکومتی، را تهدید می کند، دنیاگرایی است. در فرهنگ امام علی وابستگی به دنیامورد نکوهش واقع شده است .

امام علی(ع) دولتمردان خود را به زهد و پرهیز از دنیاگرایی سفارش کرد تا آفات دنیاگرایی آنان را تهدید نکند و همیشه به یاد قیامت باشند. نامه امام به شریح بن حارث، قاضی آن حضرت که خانه ای را به هشتاد دینار خریده بود، در بردارنده نکات مهمی است که اشاره به بخشی از آن ضروری می نماید :

«به من گزارش داده اند که به هشتاد دینار خانه ای خریده ای،برایش سندی تنظیم کرده ای و شاهدانی گرفته ای... ای شریح، بدان که در آینده ای بس نزدیک کسی به سراغت می آید که به سندی نمی نگرد و از دلیل و شهادت نمی پرسد؛ تو را بهت زده از آن خانه بیرون می کشند و تنها به خانه گور می سپارد. پس ای شریح،نیک بنگر، مبدا که این خانه را جز به مال خود خریده باشی و یا جز از راه مشروع بهایش پرداخته باشی که در این صورت خانه دنیا و خانه آخرت را یکجا باخته ای ! ای شریح، اگر هنگام خرید آن خانه به من مراجعه می کردی، بر اساس این نسخه، برایت سندی تنظیم می کردم که در خریدش حتی به بهای درهمی رغبت نمی کردی چه رسد به بهای افزون تر، و آن نسخه چنین است: خریدار: بنده خوار . فروشنده: بنده ای در آستانه کوچ.مورد معامله: خانه ای از خانه های فریب آباد در منطقه نیستان وخطه تباهان . این خانه از چهار سو به چهار حد محدود می شود: اولین حد به زمینه انواع آفات؛ دومین حد به کانون انگیزه های مصیبت؛ سومین حد به هوسهای سقوط آفرین و چهارمین حد به شیطان اغواگر؛ و دراین حد است که در این خانه گشوده می شود» فراخوانی امام علی(ع) به آخرت گرایی به معنای ترک دنیا و رفع مسئولیتهای سیاسی و اجتماعی نیست . از منظر علی، دنیا و آخرت مکمل یکدیگرند و سرنوشت انسانها در دنیا شکل می گیرد. از اینرو، حضرت دنیا را پل آخرت می داند .

برهمن اساس، علی محمد بن ابی بکر را به بهره گیری از دنیا و آخرت فرا خواند و فرمود: «"فانه" لا بدلك نصيب من الدنيا و » انت الی نصیبك من الاخره احوج ». علی(ع) به مدیرانش سفارش کرد که از قیامت غافل نباشند. زیرا آخرت گرایی نقش اساسی در میزان موفقیت آنان دارد. او به نعمان زرقی، فرماندار بحرین، نوشت :

« و لا تكن من الغافلین عن امر معادك ». همچنین حضرت خطاب به مالک اشتر فرمود :

بر نفس خود حاکم نخواهی بود، مگر آنکه همه هدفت روز قیامت و بازگشت به خدا باشد «...نکوهش دنیا از سوی امام علی(ع) بدان معنا نیست که دنیا ارزش ندارد. اگر دنیا ارزش نداشت، خداوند دنیا را نمی آفرید. آنچه مورد نکوهش قرار گرفته، دل بستگی به دنیاست. چنانکه علی نیز به آن تصریح کرده است .

استاد شهید مطهری، در این خصوص، می نویسد :

« در نهج البلاغه... آمده است که شخصی خدمت امیرالمؤمنان (ع) آمد و شروع کرد به مذمت از دنیا که دنیا چه قدر بد است؟ این مرد شنیده بود که بزرگان دنیا را مذمت می کنند، خیال کرده بود که مقصود از مذمت دنیا واقعیت این جهان است... نمی دانست که آن چه بد است دنیا پرستی است... این بود که علی(ع) به او فرمود: تو فریب دنیا می خوری، دنیا تو را فریب نمی دهد...، تا آنجا که فرمود: دنیا با کسی که با صداقت رفتار کند، صدیق است و برای کسی که آن را درک کند، مایه عافیت است. دنیا معبد دوستان خدا، مصلاهی فرشتگان خدا، فرودگاه وحی خدا، تجارتخانه اولیای خدا است»

رهبران و دولتمردان موفق بدون جذب شدن به دنیا خدمات بزرگی را برای بشریت انجام دادند. خدمات امام راحل گواه درستی این سخن است .

حاکمان ستمگر برای مدیران خود، آنان را به قیامت گرایبی سفارش می فرمود تا آنها از حکومت سوء استفاده نکرده از خونریزی پرهیزند. او به مالک فرمود: «...پرهیز از خونها و ریختن آن به ناروا... (که) نخستین داوری خداوند سبحان در روز رستاخیز درباره خونهایی است که ریخته اند. پس حکومت خود را با خونریزی ناروا نیرومند مکن که خونریزی ناروا قدرت را به ناتوانی و سستی می کشاند؛ بلکه دولت را از صاحب آن به دیگری بگرداند» بی تردید اگر رهبران و دولتمردان ستمگر به یادقیامت بودند و این کلمات پیامبر اسلام را به خاطر می سپردند، ستم نمی کردند .

رسول الله(ص) فرمودند :

« هرکس بعد از من منصبی را بپذیرد، روز قیامت او را کنار صراطنگاه می دارند و فرشتگان نامه اعمالش را می گشایند ؛ اگر عادل بود، خدا او را به برکت عدالتش نجات می دهد، اگر ستمگر بود، صراط چنان بر او فشار می آورد که تمام مفاصلش از هم جدا می شود و سپس در آتش سرنگون می گردد » .

یکی از لغزشهای دولتمردان، سوء استفاده از بیت المال است. متأسفانه برخی از دولتمردان، در استفاده از اموال عمومی، قیامت را فراموش کرده، به ثروت اندوزی می پردازند .

امام علی(ع) مدیران خود را به معاد باوری فرا می خواند تا ناهنجاریهای مالی در جامعه اسلامی به وجود نیاید .

حضرت خطاب به دو تن از دولتمردان خود که در بهره گیری از اموال عمومی عدالت را رعایت نکرده بودند، نوشت :

« به من خبر داده اند که تو کشت زمین را برداشته ؛ آنچه پایت بدان رسیده، برای خود نگاه داشته ای و آنچه که در ست بوده خورده ای. حساب خود را به من باز بده و بدان که حسابرسی خدا از حسابرسی مردمان بزرگتر است ... چون مجال بیشتر در خیانت به امت به دست افتاد، شتابان حمله کردی و آنچه توانستی از مالی که برای بیوه زنان و یتیمان نهاده بودند، ربودی... پناه بر خدا، آیا به رستاخیز ایمان نداری و از حساب و پرسش بیم نداری؟ »

بی تردید اگر دولتمردان سفارشهای علی راهمواره مورد توجه قرار دهند و با کردار نیک روزگار بگذرانند، خدا به آنان پاداش می دهد. چنانکه علی(ع) به یکی از مدیران خود فرمود :

« اعلم ان الدنيا فانیه و الاخره آتیه و اعلم صالحا تجز خیرافان عمل ابن آدم محفوظه علیه و انه مجزی به ؛ فعل الله بنا و یک خیرا » .

این نوشتار را با کلماتی از مولا علی(ع) به پایان می بریم. آن پیشوای معصوم خطاب به همگان فرمودند: «در این دنیا از کسانی پندگیرید که می گفتند: چه کسی از ما نیرومندتر است؟ اما همانها را به سوی قبرهایشان حمل کردند، در حالی که از خود اختیاری نداشتند و در قبرها وارد شدند در حالی که میهمانان ناخوانده بودند»

ویژگیهای اساسی مدیر اسلامی

مدیر در مدیریت اسلامی نقش الگو دارد لذا داشتن یکسری از خصوصیات و ویژگیها که بیانگر کفایت و شایستگی او برای مدیریت است مد نظر قرار می گیرد، برخی از معیارها با توجه به متون اسلامی عبارتند از:

- ۱- اخلاص
- ۲- رهبری
- ۳- دانش نسبت به ائمه ای اطهار(ع)
- ۴- مبارزه با ظلم و ستم
- ۵- مبارزه با خرافات
- ۶- آگاهی و قدرت: در این باره حضرت علی(ع) می فرماید: «ای مردم سزاوارترین اشخاص به خلافت، آن کسی است که در تحقق حکومت نیرومندتر، و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد، تا اگر آشوبگری به فتنه انگیزی برخیزد، به حق بازگردانده

- شود، و اگر سر باز زده با او مبارزه شود.»
- ۷- سازندگی خود: امام علی(ع) می فرمایند: «کسی که خود را رهبر مردم قرار داد باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد، خود را بسازد، و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آنکه دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد.»
- ۸- مبارزه با جهالت
- ۹- نظم و انضباط: پیامبر اکرم(ص) اوقات خود را به سه دسته تقسیم می کرد: الف) برای کارهای روزمره ب) برای استراحت و تفریح ج) عبادت و سازندگی خود
- ۱۰- تشویق به علم: در نهج البلاغه آمده است: حکمت را هر کجا باشد فراگیر، گاهی حکمت در سینه‌ی منافق است و بیتابی کند تا بیرون آمده و با همدمانش در سینه‌ی مؤمن آرام گیرد.
- ۱۱- روش تبلیغ
- ۱۲- پیروی از عدل
- ۱۳- امانت داری
- ۱۴- برخورد و معاشرت: امام علی(ع) می فرمایند: «با مردم آنگونه معاشرت کنید که اگر مرید بر شما اشک ریزند و اگر زنده ماندید با اشتیاق به سوی شما آیند.»
- ۱۵- نرم خوئی: امام علی(ع) می فرمایند: «کسی که درخت شخصیت او نرم و بی عیب باشد، شاخ و برگ او فراوان است»
- ۱۶- استقامت
- ۱۷- رهبری و مشورت

روشهای مدیریت آخرت گرا از دیدگاه ائمه

- ۱- دادگری و عدالت
- ۲- عفو و بخشش
- ۳- رسیدگی به مستضعفین
- ۴- مشورت
- ۵- نرمش در مسائل شخصی و صلابت در مسائل اصولی
- ۶- اصل سادگی در زندگی و دوری از ارباب
- ۷- اصل مساوات و برابری

نتیجه گیری

انسانها به صورت اجتماع زندگی می کنند، هر اجتماع یا گروه احتیاج مبرم به یک رهبر یا مدیر برای هدایت و نظام مندی خود دارد. مدیریت در جوامع بشری اجتناب ناپذیر است جامعه‌ی بشری برای رسیدن به هدف، به مدیرانی احتیاج دارد که هم هدف را خوب بشناسند و هم ابزار رسیدن به هدف را. همانطور که استاد مطهری می فرمایند: «مدیریت صحیح از ضعیفترین ملتهای دنیا، قویترین ملتهارا می سازد، آنچنان که رسول خدا (ص) عمل کرد، این معجزه‌ی رهبری است.» امام (ره) می فرمایند: «هدف ربوبیت و رهبری در اسلام تبلور بخشیدن به اسماء حسنا‌ی الهی و عینیت بخشیدن به ارزشهای انسانی-اخلاقی است.»

هدف اصلی خلقت و هدف مکتب اسلام تقرب الی الله است. در شیوه‌ی مدیریت اسلامی انگیزه‌های فردی و گروهی جهت دهنده نیست، جهت دهنده ارزشهای انسانی است. مبنای مدیریت و حکومت اسلامی حکومت برای رسیدن به حق

است. مدیریت در جوامع بشری آنقدر مهم است که خداوند رسولانی را برای سرپرستی و هدایت بشر می‌فرستد و هرگز انسانها را بدون مدیر و راهنما و رهبر نمی‌گذارد.

و اصلاً هدف رسالت پیامبران و امامان رساندن پیام الهی، امامت و رهبری در جوامع بشری است. بطوری که خداوند در حجه الوداع می‌فرماید: که موضوع امامت را به مردم ابلاغ کن که اگر این کار را نکنی رسالت را انجام نداده‌ای این موضوع تأکید فراوان بر این است که پیامبر اکرم (ص) جانشین و مدیر بعد از خود را معرفی کند. امام رضا(ع) در این باره می‌فرماید: «در مطالعه‌ی احوال بشر هیچ گروه و ملتی را نمی‌یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشند، مگر بوجود مدیر و سرپرستی که امور مادی و معنوی آنان را مدیریت نماید.» پیامبر اکرم (ص) بدین جهت مبعوث شد تا با مدیریت خویش، بار سنگین و کمر شکن را از روی دوش انسانها بر دارد.

حکومت و ولایت پیامبران تماماً از جانب پروردگار بوده و طی یک برنامه‌ی معین و منظم تنظیم شده است. حکومت واقعی و مدیریت اصلی در اسلام از جانب خداست و خداوند نماینده‌های خود را در جهان به عنوان امام و رهبر معرفی کرده است تا آنها وظیفه‌ی مدیریت و رهبری در جهان را برعهده گیرند. همانطور که امام علی (ع) در جواب «لا حکم الا لله» خوارج می‌فرماید: «سخن حقی است که از آن اراده‌ی باطل شد.»

مدیریت یکی از اصول هدایت انسانها به سوی هدف والای انسانی است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اسماعیل پور، حسن (۱۳۷۶)، مدیریت بازاریابی بین المللی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، چاپ اول.
۳. الطبرسی، رضی الدین ابی نصر الحسن بن الفضل (۱۳۵۰)، مکارم الاخلاق، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة السادسة.
۴. اینوهارا، هیدویو (۱۳۷۰)، پرورش منابع انسانی در شرکت‌های ژاپنی، ترجمه محمد علی طوسی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول.
۵. رابینز، استیفین (۱۳۷۹)، تئوری سازمان، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانائی فرد، تهران: انتشارات صفار، چاپ سوم.
۶. رضائیان، علی (۱۳۸۰)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت، چاپ دوم.
۷. رضائیان، علی (۱۳۸۰)، مدیریت رفتار سازمانی، تهران: سمت، چاپ دوم.
۸. سبحانی، جعفر (۱۳۷۵)، الاهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع)، چاپ چهارم، ج ۴.
۹. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۷)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲ و ج ۵.
۱۰. علی بن ابیطالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر مشرقین، چاپ هفتم.
۱۱. مانسو موتو، کوچی (۱۳۷۱)، مدیریت ژاپنی، ترجمه ن. درداری، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول.
۱۲. مصباح، محمدتقی (۱۳۷۶)، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، تحقیق و نگارش غلامرضا متقی فر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (۶) - زندگی جاوید یا حیات اخروی، تهران: انتشارات صدرا، چاپ شانزدهم.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و سایر همکاران (۱۳۷۲)، پیام قرآن (تفسیر نمونه موضوعی)، قم: مطبوعاتی هدف، چاپ دوم، ج ۵.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۳)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۱۶.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۵)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۲۳.
۱۷. نبوی، محمد حسن (۱۳۷۶)، مدیریت اسلامی، قم: مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم.
۱۸. نقی پورفر، ولی... (۱۳۷۷)، اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن (۱)، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ سوم.
- ۱۹- بقره، آیه ۲۸؛ آل عمران، آیه ۹؛ مائده، آیه ۹۶؛ یونس، آیه ۴؛ شرح نهج البلاغه بحرانی، ج ۱، ص ۱۲۷ ۱۲۸.

- ۲۰- فرهنگ آفتاب، ج ۸، ص ۴۵۶۲ .
- ۲۱- همان، ج ۹، ص ۴۶۴۲ .
- ۲۲- همان، ص ۴۶۵۱ .
- ۲۳- همان، ج ۵، ص ۲۵۲۸ .
- ۲۴- همان، ج ۵، ص ۲۵۲۰ به بعد .
- ۲۵- همان، ج ۵، ص ۲۵۳۰؛ شرح جعفر شهیدی، ص ۲۷۳۲۷۲؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۴، ص ۲۳۷۲۳۶ .
- ۲۶- شرح شهیدی، ص ۲۳۸؛ سیری در نهج البلاغه، ص ۲۶۷؛ فرهنگ آفتاب، ج ۵، ص ۲۵۶۴ .
- ۲۷- الغارات، ج ۱، ص ۲۲۹ .
- ۲۸- انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۸۸ و ۳۸۷ .
- ۲۹- نهج البلاغه، نامه ۵۳، شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۸۰؛ شرح شهیدی، ص ۳۳۹ .
- ۳۰- فرهنگ آفتاب، ج ۸، ص ۴۵۶۶؛ سیری در نهج البلاغه، ص ۲۶۷ .
- ۳۱- عدل الهی، ص ۱۵۷، فرهنگ آفتاب، ج ۸، ص ۴۵۶۶ .
- ۳۲- انساب الاشراف؛ ج ۲، ص ۳۸۸؛ شرح شهیدی، ص ۲۷۴ .
- ۳۳- شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۹۵ و ۳۱۳ .
- ۳۴- فرهنگ آفتاب، ج ۵، ص ۲۵۳۰؛ ج ۴، ص ۲۱۴۴؛ ج ۷، ص ۳۵۹۰ .
- ۳۵- شرح شهیدی، ص ۳۳۹؛ فرهنگ آفتاب، ج ۹، ص ۴۶۴۸ .
- ۳۶- مدیریت و فرماندهی در اسلام، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۱۷۷-۱۷۸. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۹۳ .
- ۳۷- شرح شهیدی، ص ۳۱۳؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۳۱۳ .

پی نوشت ها

- ۱- «وما هذه الحيوة الدنيا الا لهو و لعب...».
- ۲- «... و ما الحيوة الدنيا الا متاع.»
- ۳- «يا أباذر إن الدنيا ملعونة ملعون ما فيها إلا ما ابتغى به وجه الله.»
- ۴- «وأحذرکم الدنيا فإنها منزل قلعته و ليست بدار نجعه قد تزيتت بغرورها و غرت بزینتها...».
- ۵- «يا أيها الذين آمنوا إنما المشركون جس فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا.»
- ۶- «وإن خفتم عليه فسوف يغنيكم الله من فضله إن شاء إن الله عليهم حكيم.»